

بررسی کارآمدی طرح درس «بافت فرسوده و تاریخی» جهت ورود فارغ التحصیلان رشته شهرسازی به عرصه عمل بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی *

مرتضی هادی جابری مقدم ***

سید حسین میرزاده ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۵

چکیده

مسائل و مباحث مختلف و مهم ناشی از رویکردهای متفاوت به دوگانه نظر و عمل، و به تعبیری دیگر دانشگاه و حرفه بخش قابل توجهی از ادبیات شهرسازی دو دهه اخیر را به خود اختصاص داده است. میزان ارتباط میان آموزش‌های دانشگاهی و توانایی‌های لازم در عرصه‌های حرفه‌ای یکی از مقولات مطرح در این میان است. اینکه به چه میزان عناوین مباحث مطرح در یک طرح درس می‌تواند دانش و مهارت موردنیاز حرفه‌مندان را در عرصه تجربه عملی پوشش دهد، پرسشی است که در پژوهش حاضر و برای درس نظری «بافت فرسوده و تاریخی» در مقطع کارشناسی مدنظر قرار گرفته است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد ارتباط منسجم و مؤثری میان آموخته‌های دانشجویان در این درس و عرصه بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده در کشور وجود ندارد. طرح درس «بافت فرسوده و تاریخی» با لحاظ دانش و مهارت موردنیاز در عرصه عمل، می‌تواند نویدبخش پرورش متخصصانی توانمند جهت مداخله در بافت‌های ناکارآمد شهری کشور باشد. شایان ذکر است در مرحله اول پژوهش، برای بررسی ادبیات نظری موضوع از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا بهره گرفته شد. در مرحله دوم نیز، برای شناخت وضعیت حال حاضر آموزش درس «بافت فرسوده و تاریخی» در دانشگاه‌های کشور و ارزیابی تأثیرگذاری آن بر نحوه عملکرد شهروندان در دفاتر خدمات نوسازی، روش پرسشنامه مدنظر قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها

طرح درس، بافت فرسوده و تاریخی، مهارت‌های عملی، تربیت دانشجویان دوره کارشناسی، ارتباط منسجم.

* این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «تهیه و تدوین موضوعات و طرح درس به منظور آموزش کارشناسان شهرساز و ارتقای دانش» است که به کارفرمایی سازمان نوسازی شهر تهران به سرپرستی نویسنده اول مقاله در معاونت پژوهشی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران انجام شده است. ** استادیار دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، hjaberi@ut.ac.ir *** کارشناس ارشد شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا ارتباط منسجمی میان آموزش درس بافت فرسوده و تاریخی در دانشگاه‌های کشور از یک سو و کارآمدی کارشناسان شهرساز در عرصه عمل بهسازی و نوسازی از سوی دیگر وجود دارد؟
۲. کارشناسان شهرساز برای ورود به عرصه عمل بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی در ایران به چه دانایی‌ها و توانایی‌هایی نیازمند هستند؟
۳. در حال حاضر «درس بافت فرسوده و تاریخی» می‌تواند کدام بخش از دانایی‌ها و توانایی‌های مورد نیاز کارشناسان شهرساز را برای ورود به عرصه عمل تأمین نماید؟

مقدمه

به نظر می‌رسد ایجاد ارتباط منسجم و هدفمند بین دانشگاه و حرفه از جمله دغدغه‌های مهم مدیران و برنامه‌ریزان، عالمان دانشگاهی و دانشجویان، حرفه‌مندان و جامعه متخصص فعال در کشور محسوب می‌شود. این موضوع در جامعه شهرسازی کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. با اندکی بررسی می‌توان دریافت که موضوع رابطه عرصه نظر و عمل، یا عرصه‌های دانشگاه و حرفه از جمله مباحث مطرح در ادبیات جهانی است که در چند دهه اخیر آثار متعددی درباره آن منتشر شده است. این نوشتار که حاصل یک پژوهش دانشگاهی است، در همین راستا و بر طرح درس «بافت فرسوده و تاریخی» جهت ایجاد آمادگی در فارغ‌التحصیلان برای ورود به عرصه فعالیت حرفه‌ای در مقوله بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی متمرکز شده است. در این پژوهش سعی شده تا کارآمدی و کفایت طرح درس «بافت فرسوده و تاریخی» در مقطع کارشناسی شهرسازی در دانشگاه‌های کشور مورد بررسی قرار گیرد. تمرکز این پژوهش بر تجارب سازمان نوسازی شهر تهران به‌عنوان یکی از باسابقه‌ترین نهادهای مرتبط در تهران و نیروی انسانی کارشناس شاغل در این سازمان به‌عنوان جامعه مخاطب است. این گروه شامل مدیران، راهبران و کارشناسان شهرساز شاغل در دفاتر خدمات نوسازی است. با تدوین پرسش‌های لازم و ارائه پرسشنامه^۱ و نیز انجام مصاحبه عمیق^۲ از جامعه مخاطب، تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده در دستور کار قرار گرفت. می‌توان گفت که این تحقیق با وجود نگاه به موضوع اساسی و بنیادینی نظیر رابطه دانش و عمل، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. برای انجام این پژوهش، در ابتدا و به‌منظور بررسی ادبیات رابطه عرصه عمل و عرصه نظر در حوزه شهرسازی از روش مطالعه اسنادی^۳ و تحلیل محتوا^۴ استفاده شده است. در مرحله بعد، سه نوع پرسشنامه برای گروه‌های مخاطب در حرفه تدوین شد. سعی شد طراحی پرسشنامه‌ها به‌صورت باز صورت گیرد، به این معنا که مخاطبان برای جواب‌گویی محدودیتی نداشته و نیز ذهنیت تیم پژوهشگر به‌صورت مستقیم بر پاسخ‌های ایشان تأثیرگذار نباشد.^۵ باید در ابتدای نوشتار متذکر شد که این پژوهش به دنبال اثبات نظریه‌ای خاص در باب موضوع ارتباط عرصه نظر و عرصه عمل شهرسازی نیست و تنها با ذکر نتایج یک پژوهش موردی به اهمیت ارتباط منسجم بین این عرصه‌ها اشاره می‌کند.

۱. دانشگاه و حرفه، تقابل یا تعامل؟!

چالش بین عرصه‌های نظر و عمل یا دانشگاه و حرفه، از جمله مباحث مطرح در ادبیات تخصصی رشته‌های مختلف محسوب می‌شود. در شهرسازی و مطالعات شهری نیز این موضوع از مباحث دامنه‌دار به‌شمار می‌آید (Edward 2007; Fernandez-Esquinas & Pinto 2013). شاید بتوان گفت که حتی اهمیت این مسئله در شهرسازی نسبت به سایر علوم بیشتر است؛ زیرا مطالعات شهری و نتایج حاصل از فعالیت‌های نظریه‌پردازانه و حرفه‌ای شهرسازی، زندگی تعداد کثیری از مردم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تأثیرگذاری دانشگاه‌ها، به‌عنوان حوزه نظریه‌پردازی شهرسازی، بر حیات شهری، از نظر برخی از پژوهشگران، تاریخی طولانی دارد و بعضاً تحولات

تجربه‌شده توسط شهرها و دانشگاه‌ها در طول قرن بیستم میلادی، به‌طور موازی و حتی در بعضی از موارد در وابستگی شدید با یکدیگر حادث شده‌اند (O'mara 2012, 241). چارلز هوک بر این باور است که از دهه ۸۰ میلادی، حرکت به سمت «نظریه‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر عرصه عمل و تجربه» با ظهور یک گرایش پراگماتیک نسبت به پژوهش‌های برنامه‌ریزی سرعت گرفته است (Hoch 1996, 229). از نکات قابل توجه اینکه، با وجود تکرار پروژه‌های نظری و پژوهش‌های مختلف در عرصه «نظریه‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر عرصه عمل و تجربه» در دهه گذشته، همچنان تأثیرات آن در قالب یک روش نظام‌مند در حال تحلیل و بررسی است (Lauriak & Wagner 2006, 364). در یک مرور بسیار کلی بر پژوهش‌های انتشاریافته درباره پیوند میان عرصه‌های نظر و عمل در شهرسازی می‌توان به دو گروه کلی زیر اشاره کرد:

گروه یکم؛ در این گروه تأثیر عرصه نظر بر عرصه عمل موضوع اصلی پژوهش را شکل می‌بخشد. این تحقیقات در پی نشان دادن این موضوع هستند که دانشگاه‌ها چگونه با فعالیت‌های علمی خود بر فضای جامعه حرفه‌ای شهرسازی تأثیر گذاشته و از این طریق بر توسعه و یا عدم توسعه سکونتگاه‌های شهری مؤثرند. در واقع، پس از آنکه در رشته‌هایی نظیر اقتصاد، مدیریت و شهرسازی، تأثیر داری‌های علمی دانشگاه‌ها بر اقتصاد منطقه‌ای روشن‌تر گردید، رابطه بین دانشگاه‌ها و نهادهای محلی مورد بازبینی و تحقیق قرار گرفت (Russo, van den Berg & La-vanga 2007, 200). در این گونه تحقیقات، بیشتر دانشگاه‌ها به‌عنوان یک نیروی محرک برای توسعه شهری مطرح هستند و این تأثیرگذاری را می‌توان از طرق مختلفی نظیر پرورش نیروی انسانی و یا گسترش مشارکت‌های مدنی تصور کرد (Fernandez-Esquinas & Pinto 2013, 11).

گروه دوم؛ رابطه بین دانشگاه و حرفه تنها به تأثیرگذاری دانشگاه‌ها بر حرفه یا تأثیر نظریه‌پردازی‌ها بر عرصه عمل محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه تجارب و روندهای موجود در عرصه عمل نیز باید یا با اندکی اغماض می‌تواند بر مباحث علمی و نیز تحقیقات در حال اجرای دانشگاه‌ها تأثیرگذار باشد. پژوهش‌های جودیت آینز^۶ در ۱۹۹۵ میلادی، تأثیر فزاینده گروه جدیدی از نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی را نشان داد. این نظریه‌پردازان به‌جای «نظریه‌پردازی حاصل از تجربه غیرمستقیم»^۷، از تجزیه و تحلیل رویه‌های جاری برنامه‌ریزی و تجارب حاصل از عرصه عمل، به‌عنوان مبنایی برای ساختن و پرداختن نظریه‌ها استفاده می‌کنند (Lauria & Wagner 2006, 365). سوزان فاینشتین^۸ دلیل تأثیرپذیری عرصه نظر از عرصه عمل را به گونه‌ای بهتر توضیح می‌دهد. او تمایز بین نظریه‌های شهری^۹ و نظریه‌های برنامه‌ریزی^{۱۰} را غیرقابل دوام می‌داند و یکی از دلایلی که برای ادعای خود مطرح می‌سازد این است که یک برنامه‌ریزی مؤثر، به زمینه اجرایی خود وابسته است. بدین معنی که فعالیت^{۱۱} برنامه‌ریزی و شهرسازی باید از یک فهم و ادراک درباره عرصه عملی که در آن در حال اجرا شدن است، ریشه بگیرد (Feinstein 2005, 121). در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که فاینشتین بر ضرورت ارتباط نظریه‌پردازان با عرصه عمل و واقعیت‌های موجود در این عرصه، برای نظریه‌های برنامه‌ریزی و به دنبال آن اقدامات اجرایی در فرایند برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند.

می‌توان شروع توجه نظریه‌های برنامه‌ریزی به عرصه عمل شهرسازی را از ابتدای دهه ۱۹۸۰ دانست که در این دهه بیشتر مطالعات در این حوزه، معطوف به تجارب آمریکا و انگلستان بوده است (Luria & Wagner 2006, 369). اما از دهه ۹۰ میلادی، این مطالعات از نظر جغرافیایی گسترده‌تر شد، به گونه‌ای که پژوهش‌هایی درباره نظریه برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر تجربه در خاورمیانه، اروپای غربی، استرالیا و نیوزیلند نیز انجام شده است. در همین دوره با وجود کاهش مطالعات درباره نظریه‌های برنامه‌ریزی در آمریکا، روند رو به افزایش پژوهش‌های مقایسه‌ای میان آمریکا و انگلستان، آمریکا و اروپا و... شکل گرفت. از سال‌های ابتدایی قرن حاضر، این روند بیشتر از قبل بر روی تجاربی غیر از آمریکا متمرکز گردید (Ibid). بدین ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که بیش از دو دهه از شروع پژوهش‌هایی درباره ارتباط عرصه نظر و عرصه عمل یا ارتباط بین دانشگاه و حرفه شهرسازی در جهان می‌گذرد و همچنان این‌گونه پژوهش‌ها در سطح گسترده‌ای در حال انجام هستند. گسترش روزافزون این تحقیقات در سطح جهانی می‌تواند ضرورت توجه به این بحث را در عرصه تحقیقات شهرسازی کشور نشان دهد.

۱.۱. چرا رابطه دانشگاه و حرفه در ایران ضرورت بیشتری دارد؟

علاوه بر موارد مذکور، آنچه اهمیت انجام این گونه پژوهش‌ها را در شرایط کنونی شهرسازی ایران افزون‌تر می‌سازد، می‌توان در سه محور طبقه‌بندی کرد:

۱. به نظر می‌رسد جدایی فضای دانشگاهی و فضای حرفه‌ای در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای توسعه یافته، حادث‌تر است. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت که در ایران، نه تنها فضای دانشگاهی و حرفه‌ای جامعه شهرسازی نسبت به یکدیگر جداگانه عمل می‌کنند، بلکه غالباً نسبت به یکدیگر بدبین بوده و در زمینه موضوعات مختلفی یکدیگر را متهم می‌کنند. از جمله اتهاماتی که جامعه دانشگاهی به جامعه حرفه‌ای وارد می‌داند عبارت‌اند از: عدم توجه به نظریه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی دانشگاهی در پروژه‌های عملی، استفاده از رانت‌های مختلف برای گرفتن پروژه، داشتن روحیه عمل‌گرایانه و رویکرد منفعت‌طلبانه به فعالیت شهرسازی و...! از سوی دیگر نیز جامعه حرفه‌مند شهرسازی ایران، دانشگاهیان را متهم به تقدس بخشیدن به جایگاه خویش و دانشگاه، ارائه نظریات غیرمنطبق با واقعیت‌های وضع موجود، عدم تأمین نیازهای نظری جامعه حرفه‌ای، تمرکز بر منابع علمی خارجی قدیمی، ناکارآمدی و... می‌کند.^{۱۲} به نظر می‌رسد این تعبیر بیورگارد درباره شرایط حال حاضر بخش قابل توجهی از جامعه دانشگاهی شهرسازی کشور قابل تأمل است که «ایشان به مرور در یک فرایند انتزاعی فرومی‌روند که در نتیجه از شرایط اجتماعی و تجربه - عمل - برنامه‌ریزی جدا می‌شوند» (Beauregard 1990, 213).

۲. با نیم‌نگاهی به روند شهرنشینی و شهرسازی در ایران می‌توان دریافت در گذشته، شهرهای ایران دارای ویژگی‌های تکامل‌یافته تدریجی در هماهنگی با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و طبق نیازهای روزمره مردمان شهرها و در پاسخ به رشد و دگرگونی زمانه خویش بوده‌اند. اما جامعه ایران در طول چند دهه اخیر تغییرات سریع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شاهد بوده و به دنبال آن، کالبد شهرها نیز دچار تحولات شگرفی شده است. برای مثال، با نرخ بالای رشد شهرنشینی از اواسط دهه ۱۳۴۰ شمسی تاکنون، تعداد شهرهای کشور به سرعت افزایش یافته و در حال حاضر به رقمی بالغ بر ۱۲۰۰ شهر رسیده است. همچنین تعدادی از شهرهای کشور به دلیل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی به نقاط جاذب جمعیت تبدیل شده و با رشدی به مراتب بیشتر از سایر سکونتگاه‌ها، به کلان‌شهرهایی با جمعیت میلیونی تبدیل شده‌اند.

۳. می‌توان گفت دانشگاه‌های کشور برخلاف بسیاری از بدیل‌های خارجی خود، دارای بودجه مصوب دولتی و عمومی هستند. در نتیجه توقع مردم، مسئولان، برنامه‌ریزان و حتی اساتید و دانشجویان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها بر این است که وقتی هزینه‌های این نهاد بر دوش مردم تحمیل می‌شود، دانشگاه‌ها و به‌ویژه فارغ‌التحصیلان آن‌ها نقش مهم و مؤثری در حل مشکلات جامعه داشته باشند. در واقع یکی از شاخصه‌های اصلی موضوع معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی که در سال‌های اخیر از سوی مدیران شهری و برنامه‌ریزان کلان کشور مورد توجه و تأکید قرار گرفته، این است که این الگو در مجموع در جهت برآوردن نیازهای جامعه امروزی و زمینه‌سازی رشد فردی این سرزمین حرکت نماید (نقره‌کار، ۱۳۹۳، ۱۵۱). بدین ترتیب، دانشگاه‌ها به‌عنوان فضای آموزشی و تربیت‌کننده نیروهای فعال در عرصه عمل شهرسازی کشور، در این زمینه می‌توانند نقشی مؤثر و منحصر به فرد ایفا کنند.

اگر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را به‌عنوان یکی از بسترهای عرصه تولید نظر و نظریه بپذیریم، آنگاه اجزای مختلف آن شامل مواردی چون عناوین و سرفصل‌های دروس، نحوه آموزش و ارزیابی، فضای فیزیکی دانشگاه‌ها، اساتید و... می‌تواند در این رابطه مدنظر و مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در مقاله حاضر رابطه میان عرصه‌های نظر و عمل شهرسازی در یکی از دروس تخصصی مقطع کارشناسی دانشگاه‌های کشور مورد توجه قرار گرفته و پرسش از کارآمدی آموخته‌های دانشگاهی در این درس در عرصه حرفه شهرسازی معاصر ایران به‌ویژه نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری حال حاضر کشور، اصلی‌ترین موضوع بوده است.

۲. کفایت درس «بافت فرسوده و تاریخی» برای ورود به عرصه عمل نوسازی

۱.۲. چرا درس «بافت فرسوده و تاریخی»؟!

در پژوهش حاضر درس و موضوع نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری به‌عنوان نمونه موردی مطالعه مورد تأکید قرار گرفته است. می‌توان مجموعه دلایل زیر را برای انتخاب این نمونه موردی ذکر کرد:

۱. مسائل بافت‌های فرسوده شهری در حال حاضر یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و چالش‌های پیش‌روی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی کشور محسوب می‌شود (عندلیب ۱۳۹۰، ۱؛ شمعی و تلخایی ۱۳۹۲، ۵۵؛ ماجدی ۱۳۸۹، ۸۷). در ادبیات جهانی رشته شهرسازی نیز، نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی از موضوعات مطرح است که مطالعات و پژوهش‌های مختلفی در رابطه با آن انجام شده و ادبیات آن دائماً در حال به‌روزرسانی است (Bennett & Butler 2000; Tallon 2010; Jones & Evans 2008; Colantonio 2011).

۲. از سویی دیگر، در حال حاضر بازار اشتغال و فعالیت حرفه‌ای شهرسازی در ایران به‌طور عمده در حوزه نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری مطرح می‌شود. در سال‌های اخیر در مابقی تا حدودی رکود حکمفرما بوده و بخش اعظم منابع مالی دستگاه‌های دولتی و عمومی مؤثر در این حوزه به بحث تولید مسکن شهری و نیز نوسازی اختصاص یافته است (سلطان‌پناه و حسینی ۱۳۹۱، ۵۵؛ ایمان و کاوه ۱۳۹۱، ۱؛ قنبری ۱۳۹۳، ۱۲۳).

۳. در حال حاضر وضعیت بافت فرسوده و ناکارآمد شهری در ایران در حالت بحرانی قرار دارد (ضرابی و فرید طهرانی ۱۳۹۱، ۳۹). نهادها و دستگاه‌های مختلفی نظیر شهرداری‌ها، وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به‌عنوان بخش دولتی و عمومی در این حوزه وارد شده‌اند. از سویی دیگر، مردم ساکن در این بافت‌ها و گروه‌های سرمایه‌گذار به‌عنوان بخش خصوصی حضور دارند. به همین دلیل مطالعه روند نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری در ایران و با تأکید بر رابطه دانشگاه و حرفه شهرسازی می‌تواند واجد اهمیت و ضرورت بالایی باشد.

۲.۲. چرا سازمان نوسازی شهر تهران؟!

سازمان نوسازی شهر تهران، به‌عنوان یک سازمان صف در عرصه بهسازی و نوسازی بافت‌های ناکارآمد شهری کشور محسوب می‌شود که در طول فعالیت خود، مجموعه تجارب قابل‌توجهی در بدنه کارشناسی آن انباشت شده است. تجاری که هریک می‌تواند اندوخته‌ای برای اتخاذ رویکرد نسبت به مسائل و مشکلات در آینده حرکت نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی باشد. به نظر می‌رسد تجارب مثبت و منفی موجود در این سازمان و تعداد قابل‌توجه پروژه‌ها می‌تواند بخش اعظمی از آموزش دانشگاهی مرتبط را تحت تأثیر قرار داده باشد. به‌منظور ارزیابی و قضاوت درباره گزاره اخیر نیروهای شاغل در دفاتر خدمات نوسازی^{۱۳} به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های کاری این سازمان و فعالیت ایشان مورد توجه قرار گرفت. نتایج این ارزیابی مشخص می‌نماید تا چه اندازه نیروهای انسانی پرورش یافته در دانشگاه‌ها برای ورود به عرصه کار و فعالیت حرفه‌ای بهسازی و نوسازی آماده هستند.

بازوی اصلی سازمان نوسازی در سطح محلات شهری در قالب دفاتر خدمات نوسازی محله تعریف شده است. در هریک از این دفاتر، یک نفر نیروی شهرساز به‌صورت دائم به‌عنوان کارشناس حضور دارد که در حال حاضر در مجموع در دفاتر شهر تهران، حداقل ۴۵ شهرساز فارغ‌التحصیل از مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد به فعالیت مشغول هستند. همگی دفاتر از یک متخصص به‌عنوان «مدیر طرح» که مدیریت دفتر خدمات نوسازی را بر عهده دارد، بهره‌مند هستند. علاوه بر این هفت نفر از کارشناسان مجرب و زبده در معاونت اجتماعی و نوسازی مردمی سازمان نوسازی شهر تهران، راهبری و هدایت دفاتر خدمات نوسازی شهر تهران را عهده‌دار هستند. این افراد که «راهبران دفاتر» نامیده می‌شوند، از سویی با مدیران و کارشناسان شهرساز دفاتر خدمات نوسازی برای راهبری فعالیت‌های‌شان در ارتباط بوده و از سویی دیگر، در سطحی بالاتر، درباره مقوله نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی در چالش دائمی، بحث و تبادل نظر با بدنه کارشناسی و مدیران شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران و مشاورین هستند.

با توجه به ویژگی‌های فوق که دربارهٔ شهسازان، مدیران و راهبران دفاتر خدمات نوسازی مطرح شد، سه نوع پرسشنامه برای هریک از سه گروه کارشناسی مذکور - که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند - تهیه شد.

۳. پرسشنامه شهسازان دفاتر

۱.۳. اطلاعات و مشخصات عمومی کارشناسان

بخش نخست پرسشنامه شهسازان حاوی مشخصات و اطلاعات اولیه کارشناسان شهساز شاغل در دفاتر خدمات نوسازی شهر تهران است. جمع‌بندی پاسخ‌های این بخش در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول ۱: جمع‌بندی مشخصات و اطلاعات اولیه کارشناسان شهساز

موضوع	بلی	خیر
شهسازانی که درس «بافت فرسوده و تاریخی» را در دانشگاه‌های شهر تهران گذرانده‌اند.	٪۶۵	٪۳۵
شهسازان فارغ‌التحصیل در طی ۵ سال گذشته یا در حال تحصیل.	٪۸۶	٪۱۴
شهسازانی که این درس را با اساتید، حرفه‌مندان یا مدیران صاحب‌نام گذرانده‌اند.	٪۴۸	٪۵۲
شهسازانی که در دوران تحصیل خود از بافت فرسوده بازدید میدانی داشته‌اند.	٪۳۷	٪۶۳
شهسازانی که این درس را با نمرهٔ عالی (۱۷ به بالا) گذرانده‌اند.	٪۷۰	٪۳۰

با لحاظ آمار و ارقام جدول (۱) به‌صورت توأم می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:
 نظر به اینکه اکثریت قابل توجه ۸۶ درصدی این کارشناسان پس از زلزلهٔ بم و در طی ۵ سال اخیر و قریب به ۷۰ درصد ایشان از دانشگاه‌های شهر تهران و با نمرات بسیار خوب فارغ‌التحصیل شده و نزدیک به نیمی از ایشان درس بافت را در محضر اساتید، مدیران و حرفه‌مندان بنام در زمینهٔ بهسازی و نوسازی گذرانده‌اند، انتظار می‌رود که آشنایی‌های اولیه با موضوع فعالیت‌های سازمان نوسازی و پروژه‌های اجرا شده یا در دست اجرا در شهر تهران و مقولات مرتبط با این موضوع را داشته باشند. در همین راستا می‌توان مفروض داشت که در چنین شرایطی، بازدید میدانی از بافت یا پروژه‌های نوسازی و بهسازی در برنامهٔ درسی اکثریت این فارغ‌التحصیلان مطرح شده باشد. بر خلاف این انتظار نتایج مندرج در جدول (۱) نشان می‌دهد که تنها ۳۷ درصد از چنین امکان و تجربه‌ای برخوردار بوده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نسبت به نتیجهٔ نخست نیز تشکیک نمود و باید با توجه به تحلیل بخش‌های بعدی پرسشنامه موضع صریح‌تری را نسبت به تلقی مذکور اتخاذ کرد.

۲.۳. اولویت‌های اصلی کلاس‌های بافت و میزان تأثیرگذاری و تطابق آن‌ها با وضع موجود

در چند پرسش بعدی کارشناسان به ارائهٔ گزارشی از مقولات اصلی مطرح در کلاس «بافت فرسوده و تاریخی» خویش می‌پردازند. چهار مقولهٔ اصلی مندرج در جدول (۲) از نظر کارشناسان اولویت‌بندی شده است.

جدول ۲: اولویت‌بندی رویکردهای کلاس درس «بافت فرسوده و تاریخی» از منظری دیگر

موضوعات	اولویت اول (درصد)	اولویت دوم (تعداد)	اولویت سوم و چهارم (تعداد)
مباحث نظری	۶۸/۷	۳	۱
معرفی و بررسی تجارب جهانی	۹/۴	۱۵	۳
معرفی و بررسی تجارب داخلی	۹/۴	۲	۵
بررسی ابعاد مختلف نوسازی (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و...)	۶	۲	۵

با ملاحظه آمار مذکور در جدول می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بخش اعظم سرفصل‌های ارائه‌شده در این کلاس به مباحث نظری و معرفی، یا بررسی تجارب جهانی اختصاص یافته است. هنوز نمی‌توان کفایت دانش کسب‌شده در کلاس و کارآمدی فارغ‌التحصیلان جهت ورود به عرصه حرفه در شرایط فعلی کشور را با قاطعیت مورد قضاوت قرار داد؛ چراکه ممکن است بخشی از مباحث نظری که اولویت نخست اکثر کلاس‌ها را به خود اختصاص داده، به این مقوله پرداخته باشد. هرچند سهم تجارب داخلی و بررسی ابعاد مختلف نوسازی سطح بسیار حداقلی از موضوعات درسی را به خود اختصاص داده است. از این رو تنها با داده‌های تکمیلی می‌توان شک ایجادشده را برطرف کرد.

برای رفع ابهام درباره کفایت مطالب ارائه‌شده، در سه سؤال بعدی از ایشان درباره میزان تأثیرگذاری آموخته‌های کلاس درس بر روند کاری ایشان در دفاتر و نیز درصد تطابق این مطالب با واقعیت‌هایی که ایشان در دفاتر با آن‌ها مواجه‌اند، پرسش شد که نتایج آن به صورت خلاصه در جدول (۳) ارائه می‌گردد:

جدول ۳: میزان تأثیرگذاری کلاس درس «بافت فرسوده و تاریخی» بر روند کاری شهروندان در دفاتر

میزان تأثیر	موضوع	میزان تأثیرگذاری کلاس (درصد)	میزان تأثیرگذاری آموخته‌ها از تجارب جهانی (درصد)	میزان تطابق مطالب کلاسی با واقعیت‌های موجود (درصد)
بی‌تأثیر، خیلی کم و کم		۲۳/۹	۴۵/۶	۳۴/۸
متوسط		۱۳/۰	۸/۷	۳۹/۱
زیاد و خیلی زیاد		۴۳/۵	۳۲/۶	۱۵/۲
ذکر نشده		۱۹/۶	۱۳/۰	۱۰/۹
جمع		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

هرچند مباحث نظری و بررسی تجارب جهانی بیشترین سهم از سرفصل‌ها و زمان درس را به خود اختصاص می‌دهد، لیکن قریب به ۵۵ درصد از مخاطبان تأثیر این موارد را در حرفه، متوسط و کمتر از آن ارزیابی کرده‌اند و بالغ بر ۷۳ درصد از کارشناسان این مطالب را در تطابق با واقعیت‌های موجود در عمل بهسازی و نوسازی نمی‌دانند. بدین ترتیب، می‌توان تا حد قابل قبولی نسبت به شک ایجادشده در قسمت قبل قضاوت کرد.

۳.۳. دانایی‌ها و توانایی‌هایی که شهروندان باید برخوردار باشند

سؤال پایانی پرسشنامه دربرگیرنده پیشنهادها کارشناسان درباره دانایی‌ها و توانایی‌هایی است که برای اشتغال در دفاتر خدمات نوسازی باید دارا باشند. در واقع کارشناسان بر مبنای تجربه کسب‌کرده در دفاتر نوسازی دانایی و توانایی‌های موردنیاز خویش را مطرح کرده‌اند.

داده‌های حاصل از این جدول در ترکیب با نتایج پرسش مشابه از مدیران دفاتر و راهبران به صورت مجزا تحلیل خواهد شد. آنچه در این قسمت می‌توان نتیجه گرفت فاصله معنادار اولویت‌های آموزش داده شده در کلاس درس بافت‌های فرسوده و تاریخی از یک سو و نیازهای مطرح توسط کارشناسان از سوی دیگر است.

۴. پرسشنامه مدیران دفاتر

به منظور تکمیل تحلیل‌های مستخرج از پرسشنامه کارشناسان شهروندان، پرسشنامه دیگری برای همه مدیران دفاتر خدمات نوسازی شهر تهران (به تعداد ۴۵ نفر برای همه دفاتر خدمات نوسازی) تهیه شد. اهمیت بررسی و تحلیل پاسخ‌های مدیران دفاتر از این جهت است که ایشان در طی فرایند کاری دفتر تسهیل‌گری و نوسازی بافت فرسوده، به صورت مستمر و مستقیم با شهروندان دفاتر خود در ارتباط هستند. به همین دلیل از دانایی‌ها و توانایی‌های کارشناس شهروندان اطلاع داشته و به نظر می‌رسد می‌تواند تا حدودی تحلیل مناسبی از کارآمدی و توانمندی کارشناس خود داشته باشند.^{۱۴}

جدول ۴: دانایی‌ها و توانایی‌های موردنیاز شهروندان برای فعالیت در عرصه عمل

درصد	تعداد دفعات اشاره شده	موارد
۱۷/۹	۲۴	شناخت شهر و بافت‌های ناکارآمد از ابعاد مختلف
۱۷/۹	۲۴	آشنایی با ضوابط و مقررات طرح‌های تفصیلی و سایر طرح‌های فرادست
۱۰/۴	۱۴	برآورد اقتصادی
۹/۷	۱۳	انجام برنامه‌ریزی بر پایه اطلاعات میدانی و بر پایه چشم‌اندازها
۹/۰	۱۲	توانایی مذاکره با مالکان، سرمایه‌گذاران، مسئولان در شهرداری و سایر ارگان‌های ذی‌ربط
۹/۰	۱۲	گذراندن دوره‌های عملی در حوزه نوسازی بافت
۹/۰	۱۲	آشنایی با نرم‌افزارهای موردنیاز
۴/۵	۶	آشنایی با تجارب داخلی و جهانی
۳	۴	آشنایی با روش‌های نوسازی نظیر تجمیع
۲/۲	۳	آشنایی با مباحث حقوقی
۲/۲	۳	تجربه حضور در بافت
۱/۵	۲	آشنایی با مباحث بهسازی محیطی
۱/۵	۲	آشنایی با سرانه‌ها و خدمات هفتگانه محله
۰/۷	۱	توانایی گزارش‌نویسی
۰/۷	۱	داشتن خلاقیت
۰/۷	۱	آشنایی با روش‌های تحلیل‌های آماری
۱۰۰/۰	۱۳۴	جمع

مدیران دفاتر سه پارامتر را در ارزیابی توانمندی نیروهای کارشناس شهروندان خویش در بدو ورود ایشان مدنظر قرار داده و اعلام رأی کرده‌اند. بر این اساس آموخته‌های دانشگاه، که بیشترین آن‌ها حاصل از کلاس درس بافت‌های فرسوده و تاریخی است، در مجموع سهمی کمتر از سی درصد را در توانمندی کارشناسان داشته، درحالی‌که تجربه و توانایی‌های شخصی سهمی قریب به ۶۵ درصد از توفیق کارشناسان را سبب شده است.

بررسی پراکنش نظریات مدیران درباره سه عامل مذکور به صورت همزمان بر روی نمودار نشان‌دهنده این نکته است که اکثریت ایشان نقش آموخته‌های آکادمیک را بر روند کاری شهروندان کمتر از دو عامل دیگر می‌دانند. در واقع اعطای درصد رضایت بالا توسط تعداد کمی از مدیران سبب شده نقش آموخته‌های آکادمیک به طور متوسط افزایش یابد و در جایگاه دوم قرار گیرد.

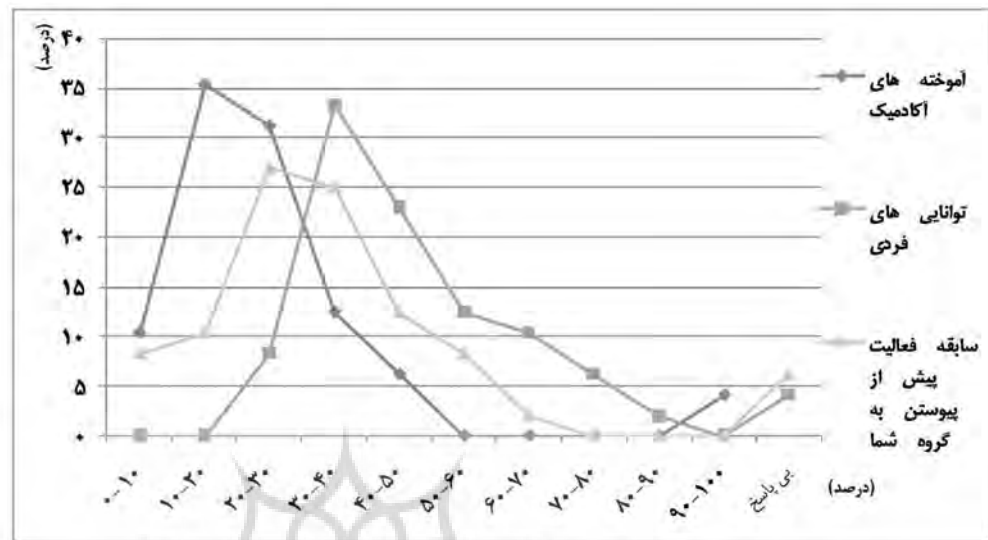
نمودار ۱ نشان می‌دهد که قریب به ۹۰ درصد از مدیران دفاتر سهم حداکثری ۲۰ درصد را برای آموخته‌های دانشگاهی قائل‌اند.

بدیهی است که این ارزیابی بر مبنای انتظاراتی است که مدیران از کارشناسان خویش برای انجام تکالیف و پروژه‌های بهسازی و نوسازی بافت داشته و دارند. در پرسشی مجزا از مدیران خواسته شده تا انتظارات خویش از کارشناسان را برشمارند. مجموع این انتظارات و فراوانی آن‌ها به تفصیل در جدول (۶) ارائه شده است:

جدول ۵: مقایسه تأثیر عوامل مختلف بر عملکرد شهروندان در برآورده ساختن انتظارات مدیران دفاتر (درصد)

درصد	آموخته‌های آکادمیک	توانایی‌های شخصی	سابقه فعالیت در بافت فرسوده پیش از پیوستن به گروه شما
۲۶/۶ درصد	۳۹/۸ درصد	۲۵/۳ درصد	

نمودار ۱: مقایسه تأثیر عوامل مختلف بر عملکرد شهسازان در برآورده ساختن انتظارات مدیران دفاتر (درصد)



جدول ۶: انتظارات مدیران دفاتر از شهسازان در بدو ورود به گروه

درصد	تعداد	موارد ذکر شده
۱۹/۹	۳۴	ارتباط برقرار کردن با ساکنان محلات و آشنایی با مشکلات اساسی ایشان برای تأمین خواسته‌های شان، ارائه مشاوره ساخت‌وساز، ارتباط با همکاران، شوراباری، شهرداری و سرمایه‌گذاران، توجیه ساکنان درباره ضوابط و مقررات شهرسازی
۱۶/۴	۲۸	تجزیه و تحلیل مسائل از دیدگاه شهسازانه و ارائه ایده و برنامه در حوزه شهرسازی، ارائه پیشنهاد در حوزه اجرای شرح خدمات
۱۵/۲	۲۶	آشنایی اولیه با ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری نظیر فرایند صدور پروانه، ضوابط طرح‌های تفصیلی، جامع و طرح‌های منظر شهری
۱۲/۳	۲۱	تعریف و پیگیری پروژه‌های تجمیع، بهسازی محیطی و پروژه‌های محرک توسعه بر پایه اسناد فرادست و نیاز محلات
۱۱/۱	۱۹	آشنایی با نرم‌افزارهای شهرسازی به ویژه ArcGIS، Auto Cad و مجموعه‌های Office
۱۳/۶	۲۳	آشنایی با ویژگی‌های کالبدی، نظام کاربری زمین در بافت فرسوده، تسهیلات نوسازی، گونه‌های مختلف بافت و نحوه برخورد با انواع آن
۷/۰	۱۲	بازید و پیمایش میدانی برای تهیه بانک اطلاعاتی در راستای برنامه‌ریزی آتی دفتر و ارزیابی فرایند نوسازی
۲/۳	۴	تسلط کافی به اصطلاحات شهرسازی و اصول و مبانی آن جهت درک بهتر ضوابط طرح تفصیلی
۱/۸	۳	انجام محاسبات اقتصادی اولیه پروژه‌ها
۰/۵	۲	داشتن پیش‌زمینه فکری در زمینه بافت فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی
۰/۵	۲	ارائه گزارش در مورد مطالعات انجام گرفته به صورت کلی و تهیه نقشه‌ها و گزارشات آماری مورد نیاز
۰/۵	۲	انجام امور مطالعاتی و پژوهشی کاربردی در محله و تهیه سند توسعه محله و نقشه‌های مورد نیاز
۱۰۰/۰	۱۷۱	جمع موارد ذکر شده

با دقت در انتظارات ارائه شده و تحلیل موارد مذکور می‌توان اکثر آن‌ها را در قالب پنج گونه توانایی و دانایی کلی زیر دسته‌بندی کرد:

- توانایی شناسایی افراد و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع‌زد و برقراری ارتباط با آن‌ها،
- توانایی شناخت هدفمند و دقیق ویژگی‌های محله و نیازهای موجود،
- دانش کافی نسبت به ضوابط و مقررات طرح‌های توسعه و عمران شهری،
- دانایی و توانایی لازم و کافی به منظور تعریف پروژه‌های محرک توسعه، بهسازی محیطی و تجمیع،
- دانایی لازم به منظور برنامه‌ریزی براساس نیازهای محله.

۵. پرسشنامه راهبران دفاتر

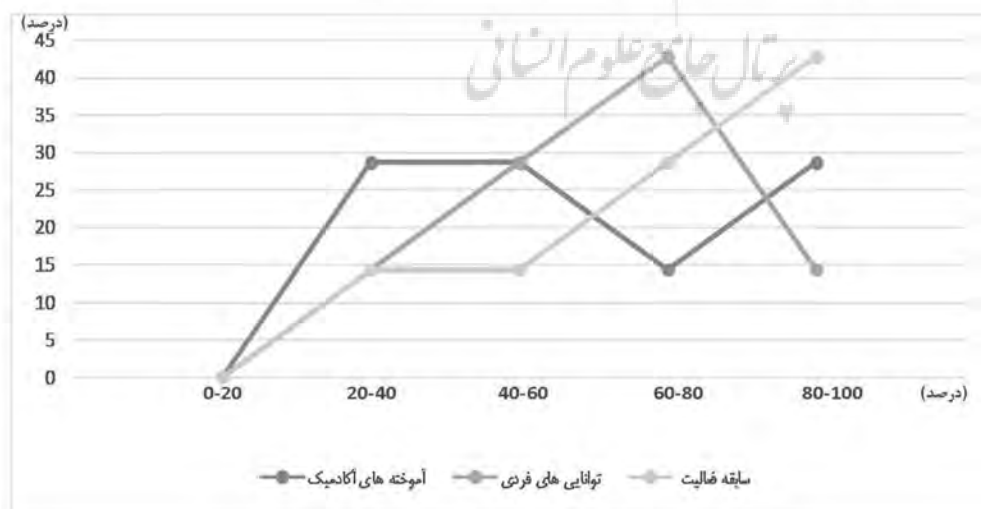
ضرورت نظرخواهی از راهبران دفاتر از این جهت است که هریک از ایشان مسئولیت دفاتر ۲ یا ۳ منطقه شهرداری تهران را بر عهده دارند. برای نیل به تحلیل جامع‌تر، پرسشنامه‌ای با پنج پرسش باز و بدون گزینه برای راهبران تدوین گردید. با توجه به گستردگی و تنوع پاسخ‌های مطرح‌شده از سوی راهبران، پس از استخراج نتایج این پرسشنامه، برای رفع ابهامات و دقیق‌تر شدن نتایج، پرسشنامه‌ای تکمیلی تهیه و پاسخ‌های ایشان به سؤالات پرسشنامه اول به صورت گزینه‌ای در پرسشنامه دوم برای اعلام نظر همه راهبران ارائه شد. در پرسشنامه راهبران از ایشان درباره نقش هریک از عوامل سه‌گانه «آموخته‌های آکادمیک»، «توانایی‌های فردی» و «سابقه فعالیت در بافت فرسوده» پرسش شد که نتایج تفصیلی آن در جدول نشان‌دهنده تأثیر کمتر آموخته‌های آکادمیک نسبت به سایر عوامل است.

جدول ۷: نظر راهبران درباره نقش هریک از عوامل بر روند کاری شهروندان (درصد)

آموزش‌های آکادمیک	توانایی‌های شخصی	سابقه فعالیت در بافت فرسوده پیش از پیوستن به گروه شما
۵۳ درصد	۶۱/۴ درصد	۶۶ درصد

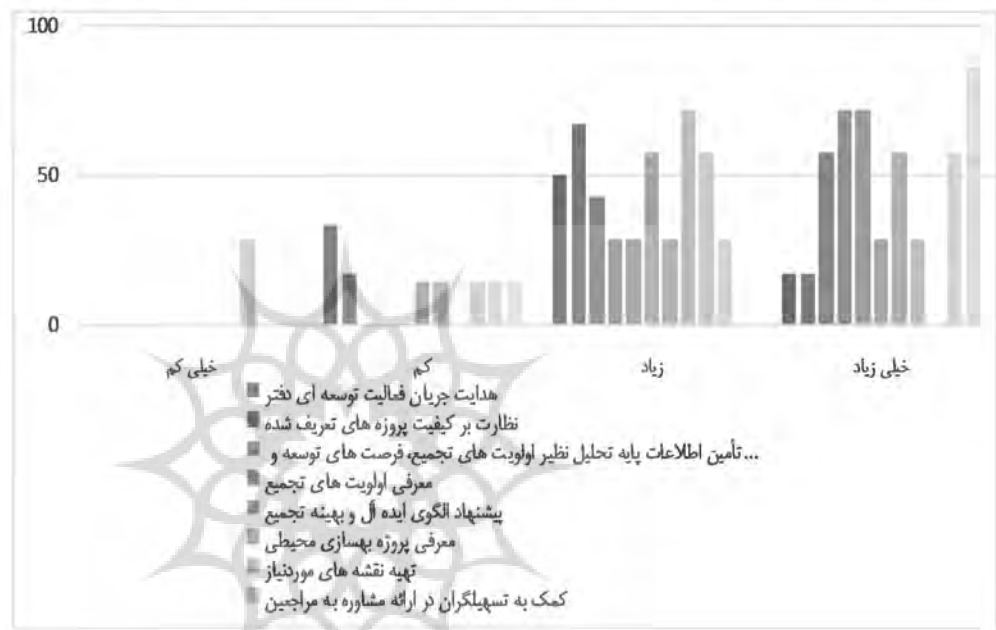
همچنین نحوه پراکنش آرای راهبران در نمودار ذیل مؤید نظر اکثریت راهبران مبنی بر اهمیت و درصد کمتر نقش آموخته‌های آکادمیک نسبت به دو عامل دیگر است.

نمودار ۲: نظر راهبران درباره سهم عوامل مطرح‌شده در دانایی‌ها و توانایی‌های شهروندان دفاتر خدمات نوسازی



در پرسش دیگری از ایشان خواسته شد تا در وضعیت موجود، محورهایی را که نشان‌دهنده نقش مفید شهروندان در دفاتر باشد، مشخص کنند. پس از بررسی و حذف موارد تکراری، یازده محور استخراج گردید که در پرسشنامه تکمیلی همه این محورها از سوی راهبران در مجموع با بیش از ۵۰ درصد در دسته «خیلی زیاد» و «زیاد» به‌عنوان نقش مفید شهروندان در دفاتر معرفی شدند.

نمودار ۳: گزینه‌های مطرح‌شده برای نقش مفید شهروندان از دید راهبران دفاتر



جدول ۸: مقایسه نظریات راهبران درباره دانایی‌ها و توانایی‌های لازم برای نقش مفید شهروندان در دفاتر

ردیف	دانایی و توانایی‌های لازم	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
۱	توانایی مذاکره و ایجاد ارتباط با ساکنان و سایر نهادهای شهری مرتبط	۰	۰	۵۷/۱	۴۲/۹
۲	آشنایی کافی به GIS و سایر نرم‌افزارهای موردنیاز	۰	۰	۱۴/۲	۸۵/۸
۳	شناخت کافی نسبت به نیازها و کمبودهای محله براساس سرانه‌ها و توانایی برنامه‌ریزی	۰	۰	۵۷/۱	۴۲/۹
۴	آشنایی با فرایند صدور پروانه	۰	۱۴/۴	۴۲/۸	۴۲/۸
۵	آشنایی با ادبیات توسعه محلی	۰	۱۴/۲	۷۱/۶	۱۴/۲
۶	توانایی در تحلیل اطلاعات حاصل از برداشت	۰	۰	۴۲/۸	۵۷/۲
۷	آشنایی با طرح تفصیلی و ضوابط مربوط	۰	۰	۵۷/۲	۴۲/۸
۸	پویایی دانش در اختیار و اجبار به خروج از فعالیت اپراتوری	۰	۰	۷۱/۴	۲۸/۶
۹	توانایی تحلیل	۰	۱۴/۲	۲۸/۴	۵۷/۴
۱۰	تحصیلات مرتبط شهرداری	۰	۱۴/۲	۴۲/۹	۴۲/۹
۱۱	دارا بودن روحیه جست‌وجوگر و پیگیر در خصوص پروژه‌های محله	۰	۰	۵۷/۱	۴۲/۹
۱۲	توانایی ارتباط و تعامل با اعضای تیم دفتر	۰	۱۴/۲	۵۷/۱	۲۸/۷

بررسی این نمودار در ارتباط با نتایج جدول انتظارات مدیران دفاتر از کارشناس شهرساز دفترشان نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد محورهای مطرح‌شده در نمودار فوق با ادبیات مشابهی در قریب به ۵۰ درصد از گزاره‌های جدول انتظارات مدیران دفاتر نیز ذکر شده است.

در پرسش بعدی از راهبران خواسته شد تا حداقل دانایی‌ها و توانایی‌های لازم را که شهرسازان باید جهت ایفای نقش مفید خود در دفاتر برخوردار باشند، مطرح نمایند. دوازده مورد مطرح‌شده در جدول (۸) در دسته‌های «خیلی زیاد» و «زیاد» از سوی راهبران ارائه شده‌اند.

با توجه به جدول فوق، می‌توان گفت همه موارد مطرح‌شده به جز گزاره «آشنایی با نرم‌افزارهای موردنیاز شهرسازان»، گزاره‌های پنج‌گانه مورد اشاره مدیران را درباره دانایی‌ها و توانایی‌های موردنیاز شهرسازان، در قالب ادبیاتی دیگر پوشش می‌دهد. همچنین پیشنهادات راهبران جهت دانایی‌ها و توانایی‌های لازمه شهرسازان توسط شخص شهرسازان نیز در پرسش پایانی‌شان مورد اشاره واقع شده است. در نمودار زیر اشتراک نظریات ایشان در ردیف‌های افقی و در ذیل هر گروه نشان داده شده است. این درصد بالای هم‌پوشانی بین نظریات شهرسازان، مدیران و راهبران دفاتر می‌تواند در قالب نکات زیر می‌توان تحلیل کرد:

- فعالان عرصه عمل نوسازی و بهسازی در مقیاس‌های مختلف، درباره کیفیت و تنوع دانایی‌ها و توانایی‌های موردنیاز شهرسازان دفاتر اتفاق نظر بالایی دارند.

- مجموعه این دانایی‌ها و توانایی‌ها می‌تواند تأمین‌کننده نیازهای کارشناسان شهرساز دفاتر در اجرای هرچه بهتر نقش‌های مفید در نظر گرفته‌شده برای ایشان باشد.

- با توجه به ماهیت این دانایی‌ها و توانایی‌ها می‌توان انتظار داشت که بخش اعظم آن‌ها در طرح درس، بافت فرسوده و تاریخی از طریق ارائه موضوعات و مباحث مرتبط پوشش داده شود.

نمودار ۴: مقایسه نظریات شهرسازان، مدیران و راهبران درباره دانایی‌ها و توانایی‌های لازم برای ایشان



در پرسش بعدی راهبران مجموعه دلایلی را برای عدم موفقیت شهرسازان بیان کرده‌اند که در قالب محورهای ذیل دسته‌بندی و ارائه می‌شود:

۱. عدم همخوانی آموزش‌های آکادمیک با واقعیت‌های محلی و عدم اشراف کارشناسان بر واقعیت‌های اجرایی.
۲. عدم برخورداری از توان هدایت‌گری و مدیریت؛
۳. عدم تسلط بر نرم‌افزارهای موردنیاز.
۴. عدم پرداختن به موضوع الگوی ایدئال و بهینه‌تجمع.
۵. عدم اطلاع از برآوردهای اقتصادی و نحوه تأمین قدرالسهم طرفین مشارکت.
۶. عدم شناخت مناسب از طرح‌های توسعه و عمران شهری، ضوابط ساخت‌وساز و شرایط صدور پروانه.
۷. عدم اعتقاد و یا عدم توانایی برقراری ارتباط با ساکنان، همکاران و نهادهای مختلف ذی‌نفع و ذی‌نفع‌د.
۸. ضعف نگرش تحلیلی در برنامه‌ریزی‌های توسعه محلی.

مجموعه این دلایل بیانگر این است که انتظار منطقی مذکور در جریان آموزش درس بافت فرسوده و تاریخی برآورده نشده است و فقدان‌ها و ضعف‌های جدی در دانایی و توانایی کارشناسان به چشم می‌آید.

۶. طرح درس فعلی «بافت فرسوده و تاریخی»

در بخش نهایی این نوشتار ضمن ارائه طرح درس مصوب فعلی درس «بافت فرسوده و تاریخی» در مقطع کارشناسی شهرسازی زمینه پاسخ به پرسش‌های پژوهش را فراهم کنیم. براساس طرح درس مصوب اهداف آموزشی و فهرست موضوعی ارائه‌شده برای درس بافت فرسوده و تاریخی به شرح زیر است: (مصوبه ۵۳۵ جلسه مورخ ۸۳/۱۱/۳ شورای گسترش آموزش عالی)

جدول ۹: اهداف آموزشی و فهرست موضوعی درس مدنظر در طرح درس بافت فرسوده و تاریخی

اهداف آموزشی	فهرست موضوعی درس ذیل اهداف
۱. نگاهی بر مفاهیم و واژگان مرمت شهر	مفاهیم و واژگان فرسایش و مرمت
۲. کسب دانش مقدماتی در زمینه نظریه‌های مرتبط با بافت کهن در سطح جهان	تکوین نظریه‌های نوسازی و بهسازی
۳. آشنایی با تجربه‌های جهانی مرتبط با بافت‌های کهن در سطح جهان	تجارب مرمت شهری در جهان
۴. مروری بر منشورها و قطع‌نامه‌های مرتبط با بافت کهن در سطح جهان	شوراها و قطع‌نامه‌های جهانی مؤثر در امر مرمت شهری
۵. شناخت روش‌ها و شیوه‌های مربوط به حفظ و نگهداری از بافت‌های کهن	روش‌ها و شیوه‌های مداخله در بافت‌های کهن تدوین معیارهای جهانی مداخله در بافت‌های کهن
۶. بررسی مسائل ویژه ایران در رابطه با بافت‌های کهن شهری	فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری در بافت‌های مرکزی و کهن شهری

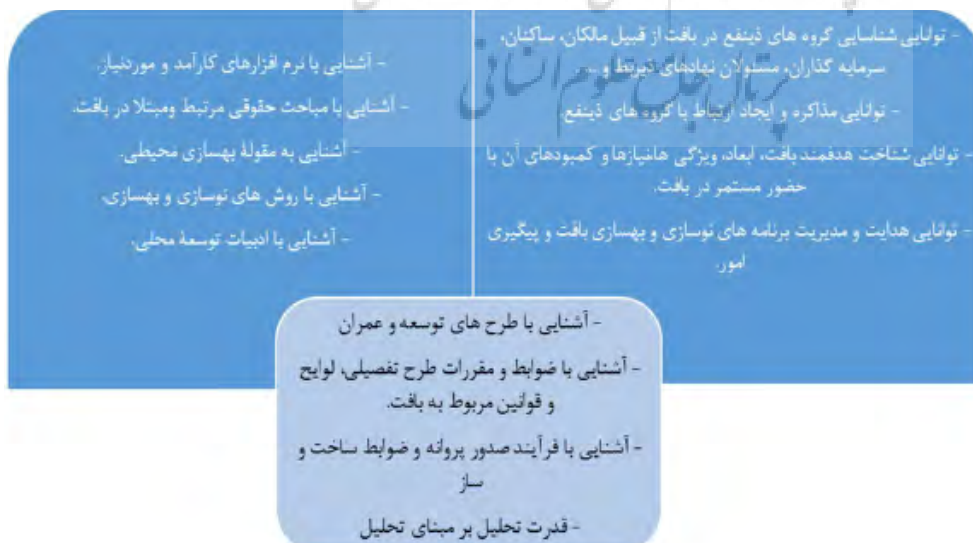
مرور کلی این طرح درس نشان می‌دهد موضوع بافت کهن و راهکار مرمت شهری و به عبارتی دیگر، عمدتاً بافت تاریخی مورد توجه قرار گرفته و سایر بافت‌های مسئله‌دار شهری نظیر مناطق حاشیه‌نشین، سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده غیر واجد ارزش تاریخی در گستره موضوعی این درس لحاظ نشده است. جدول فوق نشان می‌دهد اهداف مدنظر برای این طرح درس و فهرست موضوعی طرح‌شده ذیل این اهداف اساساً به «مباحث نظری» و «تجارب جهانی» در زمینه مرمت بافت‌های کهن شهری می‌پردازد. به صورتی که در فهرست موضوعی طرح درس نامی از تجارب داخلی در حوزه بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده یا سایر بافت‌های مسئله‌دار شهری در ایران ذکر نشده است. شاید به همین دلیل است که اکثریت شهرسازان دفاتر، دو موضوع «مباحث نظری» و «تجارب جهانی» را رویکردهای اصلی بیان مطالب در کلاس خود معرفی کرده‌اند. همچنین ایشان تجارب جهانی مطرح‌شده در کلاس درس را بر روند کاری خود در عرصه عمل بی‌تأثیر یا با تأثیرگذاری بسیار محدود و با اتفاق نظر تطابق مطالب کلاسی را با واقعیت‌های بافت فرسوده و تاریخی بسیار پایین ارزیابی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

اگر «آموزش فارغ‌التحصیلانی دانا و توانا نسبت به مقوله بافت‌های فرسوده و تاریخی کشور» را به‌عنوان معیاری در بررسی ارتباط منسجم میان دو عرصه آموزش و حرفه بدانیم، آنگاه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در حال حاضر برنامه آموزشی دوره کارشناسی رشته شهرسازی در دانشگاه‌های کشور و به‌طور خاص طرح درس و محتوای کلاس‌های درس «بافت‌های فرسوده و تاریخی» نتوانسته به میزان شایسته و درخور توجهی این انتظار را برآورده می‌سازد و از این رو نمی‌توان از ارتباط منسجم در این میان سخن گفت و تنها می‌توان به یک ارتباط بسیار کم‌رنگ و حداقلی اشاره کرد. بدین ترتیب، در پاسخ به پرسش اولی می‌توان گفت در حال حاضر ارتباط منسجمی میان آموزش درس بافت فرسوده و تاریخی در دانشگاه‌های کشور به منزله محل پرورش کارشناسان کارآمد از یک سو و عرصه عمل بهسازی و نوسازی از سوی دیگر وجود ندارد.

در تفصیل این پاسخ اول و با هدف پاسخ به پرسش دوم باید گفت نتایج مطالعه حاضر که با مشارکت فعال همه کارشناسان، مدیران و راهبران دفاتر خدمات نوسازی شهر تهران به‌عنوان پرسابقه‌ترین عرصه حرفه‌ای در زمینه بافت‌های فرسوده و تاریخی در کشور صورت گرفته حاکی از آن است که قابلیت‌های موردنیاز شهرسازان در شرایط موجود و با توجه به واقعیت‌ها و مسائل و مشکلات بافت‌های فرسوده و تاریخی عبارت‌اند از:

تصویر ۱: رابطه قابلیت‌های موردنیاز شهرسازان دفاتر خدمات نوسازی با مجموعه دانش و مهارت‌ها



مجموعه مهارت‌ها و دانش موردنیاز متخصصان شهرساز که در شرایط فعلی درگیر پروژه‌های نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده و تاریخی در کشور هستند، بیانگر دانایی‌ها و توانایی‌هایی خاص برآمده از واقعیت‌های مختص بافت‌های ناکارآمد شهری در کشور هست. مهارت‌ها و دانایی‌هایی که هرچند در عنوان تعداد کمی از آن‌ها اشتراک لفظی با روند جاری در سایر کشورها دارد اما با لحاظ سایر موارد تفاوت‌های عمیق شکلی و محتوایی در آن‌ها نمودار می‌گردد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش حاضر که مبتنی بر زمینه است، صحیح و قابل‌اعتنا است.

جمع‌بندی ارائه‌شده در پاسخ به سؤال دوم پژوهش حاضر این زمینه را فراهم می‌کند تا با مقایسه با طرح درس فعلی درس بافت‌های فرسوده و تاریخی تا نسبت به پرسش سوم اتخاذ موضع گردد.

بر مبنای نتایج حاصل از مطالعه حاضر می‌توان دریافت که در طرح درس فعلی دو موضوع بسیار از سایر موضوعات مورد توجه قرار گرفته است: نخست تجارب جهانی و ادبیات منتج از این تجربیات شامل نظریه‌ها، منشورها، معیارها، روش‌ها و حتی واژگان و دیگر تأکید بر بافت‌های تاریخی در مقایسه با بافت‌های فرسوده و ناکارآمد. از مجموع شش هدف تعریف و تدوین‌شده در طرح درس مصوب صرفاً یک مورد و آن هم بدون تعیین فهرست موضوعی مباحث در ذیل آن به بررسی مسائل ویژه بافت در ایران اختصاص یافته است. بنابراین با اتخاذ رویکردی خوشبینانه می‌توان در وهله نخست چنین فرض نمود که بخش اعظم طرح درس ملاک عمل فعلی با هدف تأمین دانش موردنیاز متخصصان درباره موضوعاتی چون آشنایی با بهسازی محیطی، روش‌های نوسازی و ادبیات توسعه محلی تعریف و تدوین شده است. لیکن با مراجعه به نظریات کارشناسان و متخصصان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر در می‌یابیم که حتی در این زمینه نیز طرح درس فعلی توفیقی نداشته است و مجموعه این آموزش‌ها در بهترین وضعیت صرفاً به میزان بسیار ناچیزی (قریب به ۵ درصد) در ایجاد قابلیت و توانمندی در متخصصان نقش داشته است.

به این ترتیب و با اتخاذ رویکرد «آموزش و نظریه‌پردازی حاصل از تجربه مستقیم» که در دو دهه اخیر مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است و براساس یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر می‌توان نتایج زیر را پیشنهاد کرد: ۱. طرح درس «بافت فرسوده و تاریخی» در مقطع کارشناسی رشته مهندسی شهرسازی نیاز به بازنگری جدی و اعمال تغییرات اساسی دارد.

۲. می‌توان با تعریف درس جدید و افزایش تعداد واحد و به تبع آن ساعات کلاس، طرح درس فعلی را به آموزه‌های جهانی بافت اختصاص داد و براساس یافته‌های مطالعه حاضر و مطالعات مشابه طرح درس ویژه‌ای را برای بافت‌های فرسوده و تاریخی معاصر ایران تدوین نمود.

۳. علاوه بر این می‌توان رویکرد اتخاذشده در این پژوهش را با تعریف پژوهش‌هایی مشابه درباره سایر دروس مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته شهرسازی مدنظر قرار داده و براساس نتایج آن‌ها نسبت به تأکید و یا اصلاح سایر دروس نیز تصمیم‌سازی نمود.

پی‌نوشت‌ها

۱. Questioner: در این روش، پژوهشگران به دنبال میزان پراکندگی، ویژگی‌ها، نگرش‌ها یا باورهای جامعه اطلاعاتی موردنظر خود هستند. در این روش پژوهشگر باید اساس کار خود را بر یک پایه مهم بگذارد، مبنی بر اینکه با توجه به گزارشی که فرد از خودش می‌دهد می‌توان به ویژگی‌های موردنظر و باورهای او درباره پرسش‌های مطرح پی برد یا می‌توان این ویژگی‌ها یا باورها را براساس آن دیدگاه شرح داد (مارشال و راس من ۱۳۸۱، ۱۳۴).

۲. Depth Interview یا مصاحبه عمیق، بیانگر تماس حضوری مصاحبه‌کننده با شخص پاسخ‌گوست. دامنه مصاحبه از وضعیت بسیار ساختمان‌د یا یک رشته پرسش‌های طرح‌ریزی‌شده تا گفت‌وگوی کاملاً غیررسمی و بی‌ساختار درباره موضوع موردنظر مصاحبه‌گر است (Miller & Salkind 2002, 191).

۳. مطالعه اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد مانند آرشیوها یا آمار رسمی است (مجذفر ۱۳۸۲، ۲۷۶).

4. Content Analysis

۵. نویسندگان مقاله بر این باورند که هیچ پرسشنامه‌ای از تأثیر ذهنیت و خواسته‌های تهیه‌کنندگان آن عاری نیست و صرفاً باید از تأثیر مستقیم پرهیز کرد.

6. Judith Innes

7. Armchair Theorizing: این ترکیب اصطلاحی است برای آن گروه از نظریه‌پردازان که دانش و اطلاعات لازم را مستقیماً از منابع اصلی و تجربیات مستقیم شخصی و مشاهده‌های عینی خود در عرصه عمل به دست نمی‌آورند بلکه از منابع دست دوم و غیرمستقیم اخذ می‌کنند.

8. Susan Feinstein

9. Urban Theory

10. Planning Theory

11. Activity

۱۲. البته متأسفانه باید گفت که ایرادات جامعه حرفه‌ای به جامعه دانشگاهی کشور چندان هم بی‌اساس نیست و برخی از عالمان با وجدان و متعهد اهل دانشگاه نیز در سال‌های گذشته بارها به این نکته اشاره کرده‌اند که «اساساً عالمان دانشگاهی ما به‌ویژه در دو عرصه بنیانی و حیاتی، علوم انسانی و علوم اجتماعی، پاسخ‌گوی معضلات مبتلا به فرهنگی و اجتماعی اقتصادی جامعه نیستند» (زیباکلام ۱۳۸۹، ۱۶).

۱۳. شایان ذکر است در حال حاضر سیاست جدید سازمان نوسازی شهر تهران معطوف به مشارکت هرچه بیشتر گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ محلی به‌ویژه ساکنان است. به همین دلیل مجموعه دفاتری را با عنوان «دفتر خدمات نوسازی محله» در بافت فرسوده و تاریخی مصوب شهر تهران تأسیس کرده است.

۱۴. مدیران دفاتر نوسازی غالباً از نیروهای با سابقه‌تر در فعالیت‌های مشارکتی نوسازی و بهسازی بافت فرسوده انتخاب می‌شوند. اکثریت ایشان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد یا دکترا در رشته‌های شهرسازی، معماری یا سایر رشته‌های مرتبط نظیر جامعه‌شناسی هستند. در نتیجه می‌توان گفت علاوه بر مدیریت دفاتر که سبب می‌شود ایشان ارزیابی دقیقی از روند کار همکاران خود ارائه دهند، ایشان صلاحیت دانشی لازم را نیز دارند که دانایی‌ها و توانایی‌های نیروی شهرساز دفتر را مورد ارزیابی قرار دهند.

منابع

- ایمان، محمدتقی، و مهدی کاوه. ۱۳۹۱. سنجش میزان رضایت از زندگی در میان ساکنان مسکن مهر فولادشهر اصفهان. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*. ۲ (۵): ۳۲-۱.
- زیباکلام، سعید. ۱۳۸۹. *خلاف جریان* (جلد دوم). تهران: انتشارات سوره مهر.
- سلطان‌پناه، هیرش، و سعید حسینی. ۱۳۹۱. کیفیت در ارزیابی کیفی پروژه‌های ساختمانی (مطالعه موردی: پروژه مسکن مهر شهرستان سنندج). *مدیریت صنعتی*. ۷ (۲۱): ۶۶-۵۵.
- شمعی، علی، و حمیدرضا تلخابی. ۱۳۹۲. تعیین اولویت‌های احیاء و مدیریت بهینه نوسازی بافت‌های فرسوده، مورد مطالعه: بخش مرکزی شهر اراک. *فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس*. ۵ (۱۸): ۷۲-۵۵.
- ضرابی، المیرا، و سایه فرید طهرانی. ۱۳۹۱. رویکرد مشارکت‌جویانه در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری. *آرمانشهر (معماری و شهرسازی)*. ۲ (۲): ۴۶-۳۹.
- عندلیب، علیرضا. ۱۳۹۰. *آلبوم تجمیع پلاک‌های ریزدانه؛ پروژه‌های منتخب تجمیع در بافت‌های فرسوده شهر تهران ۹۰-۱۳۸۸*. سازمان نوسازی شهر تهران.
- قنبری، ابوالفضل. ۱۳۹۳. بررسی تطبیقی مکان‌یابی مسکن مهر در شهرهای تبریز، مریز و هادی‌شهر. *فضای جغرافیایی*. ۱۴ (۴۸): ۱۴۵-۱۲۳.
- ماجدی، حمید. ۱۳۸۹. توسعه‌های شهری امروز؛ بافت‌های فرسوده آینده. هویت شهر. ۴ (۶): ۸۷-۹۴.
- مارشال، کاترین، و گرچن ب. راس من. ۱۳۸۱. روش تحقیق کیفی. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. چاپ دوم.

تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- مجدفر، فاطمه. ۱۳۸۲. جامعه‌شناسی عمومی. تهران: نشر شعاع.

- نقره‌کار، سلمان. ۱۳۹۳. نقش دانشکده‌های معماری در نقشه راه تحقق معماری شایسته ایران اسلامی (نمونه موردی: تلاش‌های دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان). *مطالعات معماری ایران*. (۵): ۱۵۱-۱۵۸.

-Beauregard, Robert. 1990. Bringing the city back in. *Journal of the American Planning Association* 56 (2): 210-215.

- Bennett, Sarah & Butler, John. 2000. *Advances in Art & Urban Future*. Vol 1; Locality, Regeneration & Divers Cities. Intellect Books. London.

- Colantonio, Andrea & Dixon, Tim. 2011. *Urban Regeneration & Social Sustainability; Best practice from European Cities*. Wiley-Blackwell Publication. Oxford.

- Edward, Mary M. 2007. Public finance in Planning education and practice. *Journal of Planning Education and Research*. (27): 217-227.

- Feinstein, Susan S. 2005. Planning Theory and the City. *Journal of Planning Education and Research*. (25): 121-130.

- Fernandez-Esquinas, Manuel & Pinto, Hugo. 2013. The Role of University in Urban Regeneration: Reframing the analytical Approach. *European Planning Studies*. 11-15.

- Hoch, Charles. 1996. What do Planners do in the United States? In *Explorations in Planning Theory*, edited by Seymour J. Mandelbaum, Luigi Mazza, and Robert W. Burchell, 225-240. New Brunwich, NJ: CUPR Press.

- Jones, Phil & Evans, James. 2008. *Urban Regeneration in the UK*. SAGE. London.

- Luaria, Mickey & Wagner, Jacob. 2006. What Can We Learn from Empirical Studies of Planning Theory? A Comparative Case Analysis of Extant Literature. *Journal of Planning Education and Research*. (25): 364-381.

- Miller, Delbert C. & Salkind N.J. 2002. *Handbook of research Design and Social Measurement*. Sage Pub.

- O'mara, M. 2012. beyond the the town and gown: University economic engagement and the legacy of the urban crisis. *Journal of Technology Transfer*. 37 (2): 234-250.

- Russo, Antonio P, van den Berd, Leo & Lavanga, Mariangela. 2007. Toward a Sustainable Relationship between City and University: A stakeholdership Approach. *Journal of Planning Education and Research*. (27): 199-216.

- Tallon, Andrew. 2010. *Urban Regeneration in the UK*. Routledge Publication. NY.